Review article (Narrative Review)

The Moral Principle of Respect for Acquired Rights and Its International Validity in Iranian Law

***H. Jafari*[1], *H. Ali Karami Ph.D.*[2*], *N A. Almasi Ph.D.*[3]**

1. *Ph.D. Student, Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.*
2. *Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.*
3. *Department of Law, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Abstract

Background: Acquired right is a fundamental moral principle and a privilege that people obtain by contract and law and will not be lost if the laws are not changed. The concept of acquired right is a tool to achieve justice in law. Acquired rights have an international impact; These effects are in the field of property and communication of personal status, business, trade and intellectual property. The current thesis was formed with the aim of examining the moral principle of respect for acquired rights and its international validity in Iranian law.

Conclusion: Acquired rights cannot be taken back from citizens. These rights are enforceable only in the territory of the issuing country's sovereignty, and whenever a right is created and, in a country, other than the place where it was created, the effect and recognition of that right is demanded, an issue called moving conflict is raised. In fact, dynamic conflicts are the international recognition of acquired rights or the international impact of rights. Therefore, the implementation of acquired rights requires countries to cooperate as closely as possible in legal and judicial fields. Iran's policy in this field is based on reciprocity, and judgments issued by countries that reciprocate the judgments issued by Iranian courts are enforceable in Iran.

Key words: *Ethics, Acquired rights, International impact of law, Iranian law*

***Corresponding Author**: Ali Karami H, Department of Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. Email: hamidreza.alikarami.dr@gmail.com

How to cite: Jafari H, Ali KarAmi H, Almasi N.A. The moral principle of respect for acquired rights and its international validity in Iranian law. Ethics in Science and Technology. 2025,19(4): 93-99.

Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

Vol. 19, No. 4, 2025

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]

اصل اخلاقی احترام به حقوق مکتسبه و اعتبار بین المللی آن در حقوق ایران

حسن جعفری[۱]، دکتر حمیدرضا علی کرمی[۲]*، دکتر نجادعلی الماسی[۳]
۱.دانشجوی دکتری حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۲.گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۳.گروه حقوق، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹)

مقاله مروری (مروری توصیفی)

چکیده

زمینه: حق مکتسب یک اصل اخلاقی اساسی و امتیازی است که اشخاص به موجب قرارداد و قانون به دست می‌آورند و در صورت عدم تغییر قوانین، از بین نمی‌روند. مفهوم حق مکتسب ابزاری برای دستیابی به عدالت در حقوق است. حقوق مکتسبه تأثیر بین‌المللی دارد؛ این تأثیرات در زمینه اموال و ارتباطات احوال شخصی، حوزه‌های بازرگانی، تجارت و مالکیت معنوی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اصل اخلاقی احترام به حق مکتسب و اعتبار بین المللی آن در حقوق ایران شکل گرفته است.

نتیجه گیری: حقوق مکتسبه را نمی توان از شهروندان باز پس گرفت. این حقوق تنها در قلمرو حاکمیت کشور صادر کننده قابلیت اجرا دارد و هرگاه حقی ایجاد شود و در کشوری به جز محل ایجاد آن تقاضای تأثیر و شناسایی آن حق گردد مسأله ای به نام تعارض متحرک مطرح می شود. در واقع تعارض های متحرک همان شناسایی بین المللی حقوق مکتسبه و یا تأثیر بین المللی حقوق است. بنابراین اجرای حقوق مکتسبه نیازمند همکاری هر چه نزدیک تر کشورها در زمینه های حقوقی و قضایی است. سیاست ایران در این زمینه بر پایه رفتار متقابل استوار گردیده و احکام صادره از کشورهایی که در مورد احکام صادره از محاکم ایران معامله متقابل کنند ، در ایران قابل اجراست.

کلیدواژگان: اخلاق، حقوق مکتسبه، تأثیر بین المللی حق، حقوق ایران.

سرآغاز

حق[۱] مفهومی مشترک در تمامی نظام‌های حقوقی می‌باشد و بحث جداگانه آن، نبایستی این تصور را به وجود آورد که هر نظام حقوقی برای خود مفهومی جداگانه از حق دارد. تفاوت نظام‌های حقوقی[۲] در مصادیق حق است تا در معنا و مفهوم آن.

یکی از راه‌های ایده گرفتن از برداشت‌های متعدد از این اصطلاح، در نظر گرفتن روش‌های مختلف استفاده از آن است. بسیاری از موارد متنوع به عنوان حق ادعا می‌شوند: حق زندگی[۳]، حق انتخاب؛ حق رأی دادن، حق طلاق[۴]، حق حضانت، حق تملک، حق پناهندگی، برخورد برابر با قانون، احساس افتخار نسبت به کاری که انجام داده‌است؛ حق وجود، حق بیان، حق سکوت و هزاران مصداق دیگری که به ذهن خطور می‌کند.

به همین ترتیب روشهای مختلفی برای طبقه‌بندی حق‌ها یا همان حقوق وجود دارد، مانند: حقوق عینی[۵]، حقوق دینی[۶]، حقوق قانونی[۷]، حقوق عرفی، حقوق کودکان[۸]، حقوق حیوانات[۹]، حقوق کارگران، حقوق ایالت‌ها، حقوق مردم و غیره. در بین این تقسیم‌بندی‌ها، چند عنوان به علت ارتباط بیشتر با بحث به ور مختصر شرح داده می‌شوند.

یکی حقوق طبیعی است که در برابر حقوق قانونی قرار می‌گیرد. حقوق طبیعی، حقوقی هستند که ساخته دست بشر نیستند (۱) ، مانند حقوق ناشی از طبیعت انسان یا از احکام خدایی طبیعی هستند. آنها جهانی هستند، یعنی برای همه مردم اعمال می‌شودو از قوانین جامعه خاصی نشأت نمی‌گیرد. آنها لزوماً در هر فردی وجود دارند و نمی‌توان آنها را از بین برد. به عنوان مثال، گفته شده‌است که انسانها از حق طبیعی زندگی برخوردارند. این حقوق را بعضی اوقات حقوق اخلاقی[۱۰] یا حقوق مسلم می‌نامند.

در مقابل حقوق قانونی وجود دارد که براساس آداب و رسوم، قوانین، اساسنامه یا اقدامات قانونگذاران یک جامعه به وجود می‌آیند. یک نمونه از حق قانونی، حق رأی دادن به شهروندان است. تابعیت، خود اغلب مبنای داشتن حقوق قانونی تلقی می‌شود و به عنوان حق داشتن حقوق تعریف شده‌است. حقوق قانونی گاهی حقوق مدنی خوانده می‌شوند و از نظر فرهنگی و سیاسی، نسبی هستند، زیرا از لحاظ معنایی به یک جامعه خاص اجتماعی بستگی دارند(۲و ۳).

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی : **hamidreza.alikarami.dr@gmail.com**

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]

بعضی از متفکران حقوق را فقط به یک معنا و آن هم قانونی می‌دانند، در حالی که دیگران می‌پذیرند که هر دو معنا دارای اعتبار هستند. در طول تاریخ بحث فلسفی قابل توجهی در مورد این دو معنا وجود داشته‌است. به عنوان مثال جرمی بنتهام معتقد بود که حقوق قانونی جوهره حقوق است و او وجود حقوق طبیعی را انکار می‌کند، در حالی که توماس آکویناس معتقد بود که حقوق ادعا شده توسط قانون مثبت اما در قانون طبیعی استوار نیستند، به هیچ وجه حقوق درستی نیستند، بلکه فقط نشانی از حقوق یا تظاهر به حقوق هستند (۴).

یکی دیگر از وجوه مهم حق که یک تقسیم‌بندی بر آن وارد می‌کند، جنبه مثبت و منفی (۵) آن است. به یک معنا، حق مجوز انجام کاری یا استحقاق خدمات یا درمان خاص از دیگران است و این حقوق را حقوق مثبت نامیده‌اند. با این حال، به تعبیری دیگر، حقوق ممکن است عدم ممانعت از امری باشد و اینها حقوق منفی نامیده می‌شوند (۶) آنها اجازه می‌دهند یا نیاز به هیچ کاری ندارند. حقوق مثبت، مجوزهایی برای انجام کارها یا حقوقی است که باید به آنها پرداخت شود. حقوق منفی، مجوزهایی برای عدم انجام کارها یا حق تنها ماندن است. از جمع این موارد می‌توان گفت که اطلاق حق بر هر امری که در جایگاه مناسب خود قرار گرفته باشد، صحیح است. در اینجا از بین مصادیق مهمی که برای حق مطرح می‌گردد، حقوق خصوصی که موضوع تعارض قوانین قرار می‌گیرند، مورد نظر می‌باشد. از بین مجموعه‌ای از تمامی حق‌ها که در عالم واقع متصور است و می‌توان از آنها نام برد، برخی موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی قرار می‌گیرند و در این رساله بحث ما در ارتباط با این گونه حقوق می‌باشد. به عنوان مثال اگر یک شخص فرانسوی در کشور متبوع خودش موفق شده است، نسب نامشروعش را در این کشور در دعوایی ثابت کند، برای وی یک حق ایجاد شده است. این حق همان برخورداری از مزایای اثبات نسب است که شخص ممکن است بعدا در کشور دیگری به آن استناد نماید.

بحث

احترام به حق مکتسب از منظر اخلاق

نظریه پردازان فلسفه اخلاق[11] حق را به دو دسته مطلق و مکتسبه تقسیم می کنند . حق مطلق حقی است که در مقایسه با دیگر ارزش های اخلاقی[12] یا دیگر حق ها هیچ گونه محدودیتی ندارد و در هیچ شرایطی قابل توقف و تعلیق نیست . اما حق مکتسبه حقی است که به موجب قانونی صلاحیت دار به وجود امده و نه تنها در همان کشور بلکه در کلیه کشورهای دیگر مورد پذیرش و احترام است . در واقع در حق مکتسبه باید بین ایجاد حق و تاثیر حق تفکیک قایل شد . زیرا در حق مکتسبه مرحله ایجاد حق گذشته و حق ایجاد شده در یک کشور در مرحله تاصیر حق در کشور دیگری مطرح می شود و آن کشور معمولا باید آثار ان حق را بشناسد. جهت تشخیص اینکه کدام حق اط نظر بین المللی ایجاد شده قلمداد می شود و باید در ممالک دیگر به آن احترام گذاشته شود دو شرط لازم است:

اولا طبق قانون صلاحیت دار به وجود امده باشد

دوما با رعایت کلیه شرایط قانونی ایجاد شده باشد (۷)

احترام به حقوق مکتسب[13] اشخاص همواره و در طول تاریخ پر از فراز و نشیب زندگی بشر در پهنه هستی از آرمانهای انسانهای عدالتخواه بوده است. مبانی چنین حقی را می توان در قوانین، عرف و عادت معمول در اجتماع انسانی و اصول و موازین اخلاقی و حقوقی پیدا کرد در فقه اسلامی نیز هرچند احترام به حق مکتسب به مفهوم امروزی آن سابقه ای نداشته و دلیل آن نیز مطرح نبودن بحث تعارض قوانین بوده با این وجود مبانی چنین حقی را می توان در اصل استصحاب و برخی از قواعد فقهی از قبیل دفع مفسده اولی من جلب مصلحت، المشقه تجلب التیسر، لایدفع الضرر باضرار الغیر، قد لایملک شیئا یملک ان یملک، الحق القدیم لا یبطله الشیء الحق للمتقدم، جب، سبق و... جستجو کرد(۸).

مفهوم تعارض متحرک

تعارض متحرک[14]، یک رابطه حقوقی است که در دو زمان متوالی به دو سیستم حقوقی متفاوت مربوط می‌گردد. اصطلاح تعارض متحرک که یادگار بارتن است، به این معنی است که بر اثر تغییر ارادی در عامل ربط قضیه به قانون این یا آن کشور،قضیه ومنشاء آن درقلمروقوانین دو کشورمختلف واقع می‌گردند، در نتیجه این مساله مطرح می‌گردد: برای منشاء که در قلمرو قوانین کشور پیشین ایجاد گردیده در کشور بعدی چه ارزشی می‌توان شناخت؟ و خود قضیه تابع قانون کدام‌یک از دو کشور باید تلقی گردد در این تعارض اثر عامل زمان نیز دیده می‌شود؟ به این معنی که قضیه و منشاء آن در طول زمان از یکدیگر جدا و هر یک در قلمرو قانونگذاری کشوری دیگری واقع می‌گردند. بنابراین، باید گفت این نوع تعارض ترکیبی است از تعارض قوانین در مکان و در زمان(۹).

در این مورد مساله‌ای که با آن مواجه هستیم این است که بدانیم در چه مرحله ای از مراحل وجودی یک حق مساله تعارض قوانین مطرح می‌گردد. آیا تعارض راجع به مرحله تشکیل حق است و یا راجع به مرحله اثرگذاری آن ؟ تشخیص این دو مرحله دارای اهمیت اساسی است. زیرا، در مرحله اول مطلوب ما تعیین قانون صلاحیتداری است که حق باید مطابق آن به وجود آید و در مرحله دوم مطلوب ما دانستن این مساله است که حق مزبور تا چه اندازه باید محترم شمرده شود و تا چه حد باید منشاء آثار باشد. پی یه و نی بوایه به ترتیب از آن به شناسایی بین المللی حقوق مکتسبه و تاثیربین المللی حقوق تعبیر نموده‌اند و بارتن آن را به اسم تعارض متحرک نامیده است که این اصطلاح امروزه بیش از دو اصطلاح دیگر متداول است(۱۰).

در تعارض متحرک قوانین در اثر تعارض بین قوانین دو یا چند کشور مختلف مساله حقوق مکتسبه بین‌المللی بروز و ظهور می‌نماید. حقوقی که در یک کشور ایجاد و یا تشکیل گردیده ولی اجرای آن در کشور دیگری، مورد احترام در عرصه بین‌المللی و روابط بین کشورها می‌باشد.

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

حالتهای تعارض متحرک

الف ـ حالت اول: فقدان تعارض در مرحله تشکیل حق: این حالت در موردی اتفاق می‌افتد که حقی در محیط حقوق داخلی یک کشور خارجی به وجود می‌آید بدون این که در مرحله تشکیل آن حق، تعارضی بروز نماید. مثلاً: هر گاه یک زن و مرد انگلیسی در انگلیس اقامت داشته باشند و در همان جا ازدواج نمایند، هیچ گونه تعارضی در مورد قانون حاکم بر ازدواج آنها به وجود نخواهد آمد(۱۱)

در این حالت عنصر بین المللی در مرحله ایجاد حق دخالتی نداشته و در نتیجه تعارضی نیز به وجود نمی‌آید.

ب ـ حالت دوم: وجود تعارض در مرحله تشکیل حق. این حالت مربوط به موردی است که حقی در کشور خارجی و داخل در محیط حقوق بین الملل خصوصی به وجود آید. در این مورد چون عنصر بین المللی در مرحله ایجاد حق دخالت می‌نماید. بنابراین، مساله تعیین قانون صلاحیتدار هم در مرحله اول وجود حق و هم در مرحله تأثیر بین المللی حق مطرح می‌شود. چنان چه که در مثال بالا اگر زن و مرد مزبور در ایتالیا ازدواج نمایند(۱۲).

در این مرحله با دخالت عنصر بین المللی تعارض در مرحله تشکیل حق به وجود می‌آید. لذا باید به تعیین قانون صلاحیت دار در هر دو مرحله پرداخت.

ج-حالت سوم :

شخصی که داخل و یا خارج کشور متبوع خود حقی را به دست آورده است پس از ایجاد حق اقامتگاه یاتابعیت خود را تغییر می‌دهد.فرض کنیم یک زن ومرد اسپانیایی درفرانسه ازدواج می‌نمایند و پس از مدتی اقامت در فرانسه یکی از آن دو تابعیت فرانسه را به دست می‌آورد. حال باید دید آیا این تغییر تابعیت در صحت ازدواجی که سابقاً واقع شده است و یا در آثاری که ازدواج در آینده خواهد داشت موثر است یا نه؟(۱۳)

د ـ حالت چهارم:

موردی که کشوری قسمتی از سرزمین کشور دیگر را ضمیمه خاک خود می‌سازد. هرگاه در فاصله بین مرحله تشکیل حق و مرحله اثرگذاری حق مساله الحاقسرزمین مطرح شود و در نتیجه آن قانون صلاحیتدارتغییر نماید تکلیف قضیه را چگونه باید معلوم کرد؟(۱۴)

مصادیق عمده ی حق مکتسب در حقوق ایران

حق در یک تقسیم بندی کلی به عینی و دینی منقسم می‌گردد. «حق عینی» حقی است که یک فرد نسبت به عین خارجی دارد که کامل‌ترین آن حق مالکیت است. حق عینی خود به دو دسته دیگر تقسیم می‌گردد:

۱-حق عینی اصلی

«حق عینی اصلی به آن حقی گفته می شود که به شخص اختیار استفاده و انتفاع از چیزی را به طور کامل یا به طور ناقص می‌دهد(۱۵) و انواع آن عبارتند از:

- **حق مالکیت**

حق مالکیت[۱۵] کامل‌ترین حق عینی اصلی است و این حق اعم است از مالکیت نسبت به عین یا منفعت حدود گستردگی این حق در ماده ۳۰ ق.م. بیان شده است : هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همهگونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

در فقه اسلامی نیز بر اساس قاعده تسلیط «الناس مسلطون علی اموالهم»حق مالکیت اشخاص بر اموال خود محترم نگاه داشته شده و حتی در احادیث و روایات وارده از معصومین (ع) حرمت مال مومن در ردیف حرمت خون او دانسته شده است(۱۶). که حدیث مذکور اهمیت اموال و مالکیت آن را در اسلام نشان می‌دهد.

- **حق انتفاع**

حق انتفاع بنابرتعریف ماده ۴۰ قانون مدنی: عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند. این حق ممکن است به موجب قانون برای فرد ایجاد گردد، آن چنان که ماده ۹۲ ق.م. اجازه بهره‌مندی از هر یک از مباحاترا در حدود نظامات به افراد داده و نیز ممکن است این حق به موجب عقدی که با صاحب مال منعقد شده است، به وجود آمده باشد.

- **حق ارتفاق**

ارتفاق در لغت به معنی تکیه کردن بر آرنج، از چیزی یاری گرفتن در رفاقت کردن است(۱۷).

«تعریف قانون مدنی از حق ارتفاق در ماده ۹۳ بدین گونه است: ارتفاق حقی است برای شخص در ملک دیگری». واین تعریف بر حسب ظاهر مانع از دخول رهن نبوده و بر آن نیز صادق است و حال آن که رهن داخل در حقوق ارتفاقی نیست. لذا در تعریف این حق می‌توان گفت: عبارت از حق ایجاد شده برای ملکی است به منظور کمال استفاده از آن در ملک دیگری(۱۸).

حق ارتفاق مخصوص اراضی واملاک بوده و قائم به ملک محسوب می‌گردد. بنابراین موضوع حق ارتفاق تنها اموال غیرمنقول می باشد و چگونگی قرار گرفتن دو ملک در کنار هم در ایجاد آن موثر است، یکی ملکی که موضوع حق ارتفاق است و حق ارتفاق بر روی آن قرار دارد و دیگری ملک صاحب حق ارتفاق. ممکن است منشاء ایجاد حق ارتفاق قرارداد میان مالکان باشد(ماده ۹۴ ق.م.) یا اذن مالک ملک موضوع حق ارتفاق (ماده ۹۸ ق.م.) و یا وضع طبیعی دو ملک نسبت به یکدیگر.

- **حق تحجیر**

تحجیر از ریشه حجر و به معنای بسته شدن هاله به دور ماه، داغ کردن دور چشم شتر با آهن گرد سخت و محکم شدن و چیزی را در تنگنا قرار دان آمده است. واژهتحجیر در قرآن کریم نیامده ولی در احادیث به معانی مذکور به کار رفته است(۱۹). زمین از نظر فقه اسلام دو قسم است: یک قسم زمین‌های آباد، دیگری زمین‌های موات، که قسم اخیر زمین‌هایی است که در آن تصرف و احیائی صورت نگرفته باشد(۲۰).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]

ماده ۱۴۲ق.م. نیز در خصوص حق تحجیر مقرر می‌دارد: شروع در احیاء از قبیل سنگ چیدن اطراف زمین یا کندن چاه و غیره تحجیر است و موجب مالکیت نمی‌شود ولی برای تحجیرکننده حق اولویت در احیاء می نماید. بر این اساس تا زمانی که این حق باقی باشد هیچ فرد دیگری نسبت به احیاء زمین و تملک آن استحقاق ندارد.

حق تحجیر از حقوق مالی محسوب می شود و از اقسام حقوق عینی است که در برابر هر متجاوز می توان به آن استناد کرد، ولی نه حق عینی مطلق و دارای تمام جهات(۲۱)

- **حق شفعه**

بنابرتعریف شهید اول در کتاب لمعه، حق شفعه یعنی حق داشتن تملک شریک است سهمی را که از شرکت او فروخته است(۲۲). و شهید ثانی در تشریح آن می‌فرماید: «حق شفعه برای کسی که حضور ندارد و غایب است ثابت می‌باشد، و هرگاه از سفر بیاید، می‌تواند حق خود را اعمال کند، هم‌چنین حق شفعه برای کودک، دیوانه و سفیه ثابت است، و ولی و سرپرست آن‌ها در صورت مصلحت داشتن، این حق را اعمال می‌کند. و در صورتی که ولی این حق را اعمال نکند، این حق هم‌چنان برای آنان ثابت است، و پس از رفع نقصان و حصول کمال، می‌توانند این حق را اعمال کنند(۲۳).

قانون مدنی حق شفعه را تعریف نکرده است. ولی از ماده ۸۰۸ که شرایط ایجاد حق شفعه را شمرده به خوبی می‌توان به مفهوم و تعریف حق دست یافت. در این ماده می خوانیم: هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیعه شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می گویند.

۲-حق عینی تبعی

حق عینی تبعی حقی است که به موجب آن عین معینوثیقه‌ی طلب قرار می‌گیرد تا در صورت خودداری مدیون از پرداخت دین، طلبکار بتواند طلب خود را از آن محل استیفاء نماید و چون حق طلبکار بر وثیقه تابع طلب است. لذا آن را حق عینی تبعی گویند(۲۳). نمونه آن : حق عینی مرتهن بر مال مرهونه.

- **حق مرتهن نسبت به عین مرهونه**

این حق یک حق عینی تبعی است، حقی که مرتهن نسبت به عین مرهونه پیدا می‌کند تا در صورت خودداری مدیون از پرداخت دین، طلب خود را از محل آن مال وصول نماید. بدهکار یا راهن نمی‌تواند در مورد رهن تصرفی کند که حق مرتهن را در معرض تضییعو تفریط قرار دهد، مگر به اذن وی. بنابراین راهن نمی‌تواند مورد رهن را به دیگری انتقال دهد چرا که این امر بی تردید منافی حق مرتهن به حساب می‌آید و چنین عملی جایز نیست. ماده ۷۹۳ ق .م نیز به این موضوع تصریح نموده است: «راهن نمی‌تواند در رهن تصرفی نماید که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن». هم‌چنین در ماده ۷۸۰ ق.م. به حق رجحان مرتهن بر دیگر طلبکاران مدیون تصریح شده است .به موجب این ماده: برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن، مرتهن بر هر طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت.

البته در قوانین، حقوقی هم برای اموال غیر مادی تعیین شده است . اموال غیرمادی اموالی اند که وجود خارجی و پایگاه مادی ندارند و دارای ماهیت حقوقی محض هستند و جامعه وجود آن‌ها را اعتبار نموده و قانون حیات آن‌ها را معتبر می‌شناسند. مانند: حقوق عینی در اموال غیرمادی (حقوق معنوی) (۲۳). در حقیقت حقوق معنوی عبارت است از سلطه شخص بر شیء غیر مادی. این شیء غیرمادی هم شامل محصولات ذهنی می‌شود مانند حق مؤلف در تألیفات علمی و ادبی، و هم حق مخترع نسبت به ثبت اختراعات فنی و صنعتی خود را در برمی‌گیرد، هم شامل فعالیت‌های تجاری تاجری می‌شود که برای جذب و پذیرش نمایندگان فروش به تبلیغ و معرفی اسم و علامت تجارتی کالای خود اقدام می‌کند (۲۳). مانند : مالکیت‌های ادبی و هنری (حق مولف و هنرمند)، مالکیت صنعتی و تجارتی، حق اختراع، حق کسب و پیشه و تجارت ، حق زارعانه (حق ریشه) و سایر حقوقی که در این گزیده مجالی برای توضیح آنها نیست .

راه حل تعارض متحرک قوانین

در این باره دو نظر مختلف ابراز گردیده است: نخست این نظر که تعارض متحرک باید بر پایه احترام بین‌المللی حق مکتسب حل گردد، دیگر این نظر که راهحل آن پیروی از راه حل در مورد حقوق انتقالی داخلی است.در حقوق ایران راه حل تعارض متحرک بر پایه راه حل حقوق انتقالی در حقوق داخلی شکل گرفته است، این راه حل را می‌توان از جمله پایانی ماده ۹۶۶ ق.م. که اصل آن درباره قاعده تعارض قوانین در خصوص اموال است استخراج کرد(۲۴).

معذلک حمل و نقل شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیء نسبت به آن تحصیلکرده باشند خللی وارد آورد. ظاهراین عبارت بیان کننده قاعده‌ی احترام بین المللی حق مکتسب نسبت به مال منقول است و طرح این قاعده خود مبین آن است که قانونگذار ایران میان قانون صالح درباره حق تحصیل شده در یک کشور و آثار ناشی از آن حق در کشور دیگر قائل به تفاوت بوده واین دوراتابع یک حکم نمی‌دانسته است، چنان که در این ماده تنها درباره حق مکتسب به وضع قاعده مبادرت جسته و درباره‌ی آثار آن که در کشور دیگری پدید می‌آیند حکمی بیان نداشته است.

بنابراین باید آثار آن را در شمول قاعده عام اصلی بیان شده در صدر ماده یعنی محل کنونی مال تلقی کرد(۲۴). تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می باشند.

به این ترتیب باید گفت قاعده قابل استخراج از ماده ۹۶۶ ق.م در خصوص تعارض متحرک با قاعده قابل استخراج از ماده ۴ آن قانون در خصوص راه حل تعارض قوانین در زمان از حیث نتیجه یکسان است در این هر دو قاعده حقوق مکتسبه اشخاص به رسمیت شناخته شده، جز

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

مقاله مروری (مروری توصیفی)

آن که در تعارض قوانین در زمان در حقوق داخلی امکان عطف بماسبق نشدن قانون فراهم بوده و در تعارض متحرک به لحاظ آن که دو قانون معارض به دو قانونگذاری متفاوت تعلق دارند چنین امکانی وجود ندارد.قاعده اثر فوری قانون نیز از مواد مذکور استنباط نمی گردد و نتیجه طبیعی خود قانون است.

ولی، تعارض متحرک در حقوق ایران تنها در اموال رخ نمی‌دهد، در مورد قاعده‌هایی هم که در آن‌ها تابعیت به عنوان عامل تعیین کننده قانون صالح در نظر گرفته شده امکان بروز تعارض متحرک دیده می‌شود. در مورد این گونه قاعده‌ها هم راه حل همان است که در خصوص اموال منقول معلوم گردید خاصه آن که این گونه قاعده ها به طور عموم مربوط به قضایای احوال شخصی است و درباره آن‌ها ضرورت اعمال قاعده حاکی از اثر فوری قانون در زمان بیشتر محسوس است(۲۴).

نتیجه‌گیری

حق به امتیازاتی گفته می‌شود که اشخاص در حوزه حقوق خصوصی و به موجب منابع مختلف و از جمله منابع قانونی و معاهدات دریافت کرده و واجد و صاحب آن شناخته شده و در صورت لزوم در همان کشور موجد حق یا در کشور دیگری به آن استناد می‌نمایند. حق مکتسب، حقی ناشی از قرارداد و قانون و در واقع، امتیازی است که به اراده و اختیار صاحب حق، تملک شده و باید در مقابل تغییر قوانین، به عنوان حق مکتسب، مورد حمایت قرار گیرد . آنجا که «حق» بر اراده و خواست فرد استوار و اشخاص به صورت قراردادی و در روابط خصوصی خود آن را در قالب نوعی تکلیف به وجود آورده اند، قانون، تصمیم یا اعلام مؤخر جدید، تأثیری برآن نداشته و امتیاز قراردادی سابق را زایل نمی‌کند. از این منظر، دلیل اصلی احترام به حق مکتسب، تجاوز ناپذیری شخص انسان، احترام به اراده و خواست وی و البته عدم امکان تفکیک مفهوم حق از شخصی است که آزادانه می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرد. مفهوم حق مکتسب اهمیت زیادی دارد، زیرا این مفهوم در واقع ابزاری برای دخالت هر چه بیشتر عدالت در حقوق است، حق مکتسبه حقی است که اشخاص در زمان اقتدار یک قانون، کسب می‌نمایند و اگر قانون صالح تغییر نکند، دلیلی برای از بین رفتن آن وجود نخواهد داشت، بنابراین حق مکتسبه مفهومی پویا می‌باشد که بر مبنای عدالت مورد پذیرش تمام نظام‌های حقوقی ملل مختلف قرار گرفته است. مع‌الوصف گاهی در قوانین و مقررات وضعیتی برای شخص یا اشخاصی ایجاد گردیده که به ظاهر گمان می‌رود در زمره حقوق مکتسبه آن‌ها می‌باشد در حالی که ماهیت آن حق مکتسب نیست. حق مکتسب، امتیاز و نفعی ثابت و مسلّم است متعلق به شخص، که در اثر قرارداد و قانون در زمان حکومت قانون سابق ایجاد شده و مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته به طوری که قانون جدید اصولاً نمی‌تواند، چنین حقی را مورد تعرض قرار داده یا از بین ببرد.

تعارض متحرک عنوان دیگری برای شناسایی بین‌المللی حقوق مکتسبه است و نباید آن را معادل با حقوق مکتسبه دانست. به طور ساده اگر حقی در زمینه حقوق خصوصی برای شخصی در کشوری ایجاد شود و بعدا در مرحله اجرای حق به این حق استناد شود، بحث تأثیر بین‌المللی حق مطرح می‌گردد. در تعارض‌های متحرک قوانین مساله حقوق مکتسبه بین‌المللی بروز و ظهور می‌نماید.در خصوص راه حل تعارض متحرک قوانین دو نظر مختلف ابراز گردیده است: نخست این نظر که تعارض متحرک باید بر پایه احترام بین المللی حق مکتسب حل گردد، دیگر این که راه حل آن پیروی از راه حل در مورد حقوق انتقالی داخلی است.

در حقوق ایران راه حل تعارض متحرک بر پایه راه حل حقوق انتقالی در حقوق داخلی شکل گرفته است، این راه حل را می‌توان از جمله پایان ماده ۹۶۶ ق.م. که اصل آن درباره قاعده تعارض قوانین در خصوص اموال است استخراج کرد. معذلک حمل و نقل شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیء نسبت به آن تحصیلکرده باشند خللی وارد آورد.

ظاهر این عبارت بیان کننده قاعده‌ی احترام بین المللی حق مکتسب نسبت به مال منقول است و طرح این قاعده خود مبین آن است که قانونگذار میان قانون صالح درباره حق تحصیل شده در یک کشور و آثار ناشی از آن حق در کشور دیگر قائل به تفاوت بوده و این دو را تابع یک حکم نمی‌دانسته است. چنان که در این ماده تنها درباره حق مکتسب به وضع قاعده مبادرت جسته و درباره آثار آن که در کشور دیگری پدید می‌آیند حکمی بیان نداشته، بنابراین باید آثار آن را در شمول قاعده عام اصلی بیان شده در صدر ماده یعنی محل کنونی مال تلقی کرد. «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاءمنقول یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بودکه آن اشیاءدر آنجا واقع می‌باشند....». ولی، تعارض متحرک در حقوق ایران تنها در اموال رخ نمی‌دهد، در مورد قاعده‌هایی هم که در آن‌ها تابعیت به عنوان عامل تعیین کننده قانون صالح در نظر گرفته شده امکان بروز تعارض متحرک دیده می‌شود. در مورد این گونه قاعده‌ها هم راه حل همان است که در خصوص اموال منقول معلوم گردید خاصه آن که این گونه قاعده‌ها به طور عموم مربوط به قضایای احوال شخصی است و درباره آن‌ها ضرورت اعمال قاعده حاکی از اثر فوری قانون در زمان بیشتر محسوس است.نکته دیگر اینکه در تعارض متحرک قوانین قاعده عطف بماسبق نشدن قانون قابل اعمال نمی باشد به این دلیل که دو قانون متعارض به دو مرجع قانونگذاری از سیستم های حقوقی متفاوت تعلق دارند.

بنابراین از یک نگاه کلی اجرای حقوق مکتسبه نیازمند همکاری هر چه نزدیک تر کشورها در زمینه های حقوقی و قضایی است. سیاست ایران در این زمینه بر پایه رفتار متقابل استوار گردیده و احکام صادره از کشورهایی که در مورد احکام صادره از محاکم ایران معامله متقابل کنند ، در ایران قابل اجراست.

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]

مقاله مروری (مروری توصیفی)

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملا مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Right	حق
2. Legal systems	نظام های حقوقی
3. Life right	حق زندگی
4. Divorce right	حق طلاق
5. Objective right	حقوق عینی
6. Religious right	حقوق دینی
7. Legal right	حقوق قانونی
8. Rights of children	حقوق کودکان
9. Rights of animals	حقوق حیوانات
10. Ethical rights	حقوق اخلاقی
11. Ethical philosophy	فلسفه اخلاق
12. Ethical values	ارزشهای اخلاقی
13. Acquired rights	حقوق مکتسب
14. Motion conflict	تعارض متحرک
15. Right of ownership	حق مالکیت

References

1. Strauss L. Natural law and history. Translated by Parham B. 3rd ed. Iran/Tehran: Agah Publication. 2014. (In Persian).
2. Sanjabi N. The position of legal ethics and its role in reducing the moral damage of judges. Ethics in Science and Technology 2022; 17 (3) :21-28. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1401.17.3.6.0
3. Jafarpoor J, KHoeini G, Tajari F. Studying the legal and ethical factors in establishing a judicial procedure. Ethics in Science and Technology 2022; 17 (2) :10-15. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1401.17.2.2.4
4. Karami Moghadam R, Parvin K. The importance of ethics and security in securing citizenship rights from the perspective of judicial law. Ethics in Science and Technology 2023; 18 (1) :16-22. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0
5. Rainbolt GW. Philosophy of law: Concept of right. Translated by Mirzaei A. 1st ed. Tehran: Rahe Novin Publication. 2015. (In Persian).
6. Soa's Hashemi SM. Comparative study of the concept of right in religious teachings and human rights. 1st ed. Iran/Khorramabad: Avanegard Publication. 2015. (In Persian).
7. Arfania B, Rohani M. International validity of acquired rights in Iranian law with emphasis on judicial procedure. International Legal Research, 2014; 7(24): 1-23
8. Shabanpoor O, Moradi K. Respecting the acquired right and examining its main examples in private domestic and international law while adapting to jurisprudence. [M.A. thesis]. Kermanshah: Islamic Azad University. 2013. (In Persian).
9. Saljooghi M. Private international law. 6th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2010. (In Persian).
10. Almasi N. Private international law.11th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2011. (In Persian).
11. Almasi N, Alizadeh A, Karimpour S. Public order in legal, jurisprudential and Sociological Approach. Religious Researches, 2016; 12(1): 1-36. doi: https://doi.org/10.22059/jorr.2016.58011
12. Bazrpach H, Maleki J, Pashazadeh H, Mojtahedi M R. Review the role of public order in the implementation of foreign judgments in terms of Islam and Iranian law. Political and International Researches Quarterly, 2021; 12(47): 161-181. (In Persian).
13. Ghadir M, kazemi H. Studying the theorical foundations of fraud on law & its effects in iran's private international law and imamiyah jurisprudence. Comparative Studies on Islamic and Western Law, 2021; 8(2): 219-244. doi: https://doi.org/10.22091/csiw.2021.4443.1580
14. Sadeghi M. The concept and application of public order in judicial and quasi-judicial authorities and its new manifestations. Law & Political science, 2005; 68(3): 89-114. (In Persian).
15. Abdali. M, Tafreshi M. The study of illegal contracts (against public order) in french, english and lranian law. CLR, 2005; 8 (20) :1-22. Dor: http://dorl.net/dor/20.1001.1.22516751.1383.8.20.7.1
16. Jafari Langeroodi M. The effect of will in civil rights. [Ph.D. thesis]. Tehran: Tehran University. 1991. (In Persian).
17. Sayed Arani SA. Solve the problem of moving conflict with the rules of conflict of laws in time. Culmination of Law Quarterly, 13(4): 3-28. DOI: http://dx.doi.org/10.22034/thdad.2022.529513.1787
18. Rasekh M. Right and expediency. 1st ed. Iran/Tehran: Tarhe No Publication. 2012. (In Persian).
19. Emami SH. Civil Law. 4th ed. Iran/Tehran: Eslamyeh Publication. 1989. (In Persian).
20. Amoozad M. Power, farmer's right. 3rd ed. Iran/Tehran: Dadgostar Publication. 2012. (In Persian).
21. Safaei SH. Civil law. 8th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2010. (In Persian).
22. Makki Al-Alami J. It is the partner's entitlement to the sold share in his company and is not proven to anyone other than one partner. Translated by Shirvani A. 5th ed. Tehran: Dar-Alfekr Publication. 1996. (In Persian).
23. Aljabali Alalami Z. Description of Loma'a. Translated by Lotfi A. 7th ed. Tehran: Majd Publication. 2009. (In Persian).
24. Saljooghi M. International law. 6th ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2010. (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-14]

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.12]